
تأملی بر «قسم» های مربوط به «حضرت عباس (ع)» در فرهنگ مردم

سید علیرضا هاشمی

قسم نوعی اقرار و اعتراف است که شخص از روی شرف و ناموس خود بیان می‌کند و خدایا بزرگی را شاهد می‌گیرد. (لغتنامه دهخدا). در جریان زندگی اجتماعی و در فرهنگ عامه مردم، افراد و اشخاص گاهی برای اثبات حقانیت خود و یا بر صدق دعوی خود قسم یاد می‌کنند. بیشتر این قسم‌ها برخاسته از فرهنگ دینی مردم است و نام خادوند یا یکی از ائمه اطهار علیه‌السلام در عبارت قسم‌ها ملاحظه می‌شود.

هر چند در ادبیات و حکایات و پند و اندرزهای ما، معمولاً بر راستگویی در گفتار و صداقت در کردار تأکید شده است، با این حال در فرهنگ گفتاری مردم، آنجا که حق و ناحق در کنار هم قرار می‌گیرند یا صدق و کذب گفتار مدنظر باشد و یا کردار مظلوم و ظالمی در ترازو و داوری قرار گیرد، «قسم» نقش خود را ایفا می‌کند و به شهادت می‌آید.

از این روست که ناصر خسرو می‌گوید:

جز راست مگوی گاه بیگاه
تا حاجت نایدت به سوگند

از قسم‌های مرسوم میان مردم می‌توان قسم به خدا و ائمه اطهار را نام برد و از میان آنها قسم به «حضرت عباس (ع)» از جمله قسم‌های رایجی است که مردم در گفتار خود به کار می‌برند. «حضرت عباس(ع)» به دلیل جایگاه ویژه‌ای که در واقعه کربلا دارد، در میان مردم دیندار و خداجوی به «علمدار کربلا»، «سقای دشت کربلا»، «قمر» بنی‌هاشم (ع) و القاب دیگری مشهور است. از این رو در میان قسم‌های مربوط به «حضرت عباس(ع)» گاه از القاب آن حضرت نیز در عبارت قسم‌ها یاد می‌شود. در این مقاله با استفاده از سندهای موضوعی واحد فرهنگ مردم، قسم‌هایی که با استفاده از نام، کنیه و القاب مبارک حضرت ابوالفضل العباس (ع) میان مردم رایج است، آورده می‌شود.

در جریان زندگی اجتماعی و در فرهنگ عامه مردم، افراد و اشخاص گاهی برای اثبات حقانیت خود و یا بر صدق دعوی خود قسم یاد می‌کنند.

در «کنگاور» کرمانشاه یکی از قسم‌های معمول مردم «حضرت عباس و کیلی» است که در هنگام معامله یا خرید و فروش جنس و اختلاف در قیمت به زبان می‌آورند. در «صحنه» کرمانشاه هنگامی که شخصی می‌خواهد با دیگری شراکت داشته باشد و یا معامله‌ای بکند یا پولی به اسم امانت یا قرض به دیگری بدهد، قبض و رسید پول را مابین خود و آن شخص می‌گذارد، آن‌گاه آن را به عنوان «شمشیر ابوالفضل (ع)» قلمداد می‌کنند و سپس هردو به وجدان خود قسم می‌خورند که هیچکدام به خطا نروند و به عهد خود وفادار بمانند.

همچنین در میان مردم «صحنه» عباراتی چون «به حضرت عباس قسم» و یا «به ابوالفضل قسم» سوگندهایی معمول است.

زرنند کرمان بخشی به نام «یزدان‌آباد» دارد. در این بخش مطابق یک سند که درباره قسم‌های رایج میان مردم و در خصوص نام مبارک آن حضرت جمع‌آوری شده است به این عبارات برمی‌خوریم: «به حضرت عباس»، «به تیغ برنده حضرت عباس»، «عباس و کیلی» و «به قمر بنی‌هاشم» که مردم در روابط خود با یکدیگر بیان می‌کنند.

در «زیوان» فشاپویه نیز عبارت «به دست‌های قطع شده حضرت عباس» از جمله قسم‌هایی است که مردم در مواقع بخصوص بر زبان خود جاری می‌کنند.

از «قم» مطابق اسناد موجود از سه قسم با عنوان «به حضرت عباس قسم»، «به قمر بنی‌هاشم قسم» و «به دست بریده ابوالفضل قسم» یاد شده است.

اهالی شهر «قزوین» در قسم‌های خود از نام حضرت عباس (ع) برای انکار کاری و یا یاری خواستن از معبود تعالی برای برآورده شدن حاجت خود استفاده می‌کنند، مثلاً اگر کسی کاری را به او نسبت داده باشد؛ ولی او انکار کند، قسم می‌خورد که «به دو دست ابوالفضل که در نهر القمه از تن افتاد قسم» من این کار را نکرده‌ام و یا این‌طور قسم می‌خورند: «به چشم تیر خورده حضرت عباس قسم» و یا «به مشک تیر خورده قمر بنی‌هاشم». همچنین مادرانی که در حالت ناامیدی و تضرع از خداوند طلب حاجتی داشته باشند، این‌طور قسم می‌خورند: «به چشم تیرخورده، مشک تیرخورده و در دست قلم شده حضرت عباس قَسَمَت می‌دهم، خدایا مرا ناامید مکن آنچنان که حضرت عباس ناامید نشد»

در شهر «کازرون» از توابع فارس «به حضرت عباس»، «به دو دست بریده ابوالفضل»، «به دست بریده قمر بنی‌هاشم»، «به مشکل دریده ابوالفضل»، «به قمر بنی‌هاشم» و «به تیغ کج ابوالفضل العباس» از قسم‌های مرسوم در میان اهالی است.

در شهرستان «آباد» نیز که از توابع فارس به شمار می‌رود، بیان این قسم‌ها در میان اهالی مرسوم است: «به تیغ برنده ابوالفضل»، «به دو دست بریده حضرت عباس»، «به دو دست آقا ابوالفضل»، «عباس و کیلی»، «به قمر بنی‌هاشم» و «به قمر بنی‌هاشم» و «به آن کسی که با دست رفت و بی‌دست برگشت».

در میان اهالی «ایزدخواست» آباده یکی از قسم‌هایی که گفته می‌شود این عبارت است: «به حضرت عباس قسم که عثمانلو بی‌وضو اسمش نمی‌اره» یعنی به حضرت عباس قسم که عثمانلو (یکی از سران ایل‌های عشایری) بدون وضو نام او را به زبان جاری نمی‌کند.

همچنین شمشیر حضرت عباس (ع) میان اهالی «ایزد خواست» در هنگام گفتگو دو نفر واسط و شاهد برای انجام یک کار قرار می‌گیرد و می‌گویند: «شمشیر حضرت عباس بین من و تو اگر فلان کار را بکنی یا فلان کار را نکنی» و یا می‌گویند: «حوالات به شمشیر حضرت عباس» باشد. در شهر «لاهیجان» نیز اهالی در برخی کارها از نام مبارک آن حضرت به عنوان قسم استفاده می‌کنند، مانند «به حضرت عباس قسم»، «به حضرت ابوالفضل قسم» و یا «به دست بریده ابوالفضل قسم».

در روستای «لطف‌آباد»، بخش «درگز» مشهد، قسم خوردن به حضرت عباس (ع) به زبان محلی به این شکل ادا می‌شود: «حضرت عباس حقی چن - čan hazrate abbas hagi و «آیل فصل حقی چن - balfazl hagi čan» و یا «حضرت عباسی کسین قولی چن مردم به زبان گری به نام آن حضرت قسم یاد می‌کنند و می‌گویند: «وه دو دس بُری یه ابوالفرض - va do dasse boriyaye abolfarz یعنی به دو دست بریده ابوالفضل (ع). در «ارومیه» نیز که از شهرهای شمال غربی کشورمان است برخی از قسم‌های رایج میان مردم با این عبارات بیان می‌شود: «به حق حضرت عباس»، «قسم‌های رایج میان مردم با این عبارات بیان می‌شود: «به حق حضرت عباس»، «قسم به ابوالفضل (ع)»، «قسم به دست‌های بریده ابوالفضل» و «قسم به دست‌های درکنار فرات افتاده ابوالفضل».

در «اصفهان» نیز قسم‌هایی چون «به دو دست بریده حضرت عباس قسم»، «به قمر بنی‌هاشم»، «به حضرت عباس» و «به ابوالفضل» با لهجه شیرین اصفهانی میان اهالی رایج است. همچنین در «میمه» اصفهان این قسم‌ها رایج است: «به حضرت عباس قسم»، «به ابوالفضل العباس قسم»، «به دست‌های ق طع شده ابوالفضل» و «به این عَلم قمر بنی‌هاشم». این قسم‌ها در «کرویّه» شهرضا و «سمیرم علیا»ی اصفهان نیز به همین شکل ادا می‌شود. در «گلپایگان» برای آنکه کسی را قسم بدهند، یک تو دویی (تودانی) در ابتدای عبارت خود به کار می‌برند. مثلاً می‌گویند: «تو دویی و حضرت عباس»، یعنی تو دانی و حضرت عباس نسبت به قول یا کرداری که مدنظر است.

همچنین مطابق یکی از اسناد موجود از شهرستان بوشهر، «در دشتی‌ها» که از اهالی خورموج هستند، زیاد قسم می‌خورند و موقعی که حرف می‌زنند به خاطر آنکه طرف مقابل باور کند، مدام به خدا و پیغمبر و امامان قسم یاد می‌کنند. از جمله این قسم‌ها نام مبارک حضرت عباس (ع) است که می‌گویند: «به حضرت عباس» و یا «به شمشیر ابوالفضل». در «تنگستان» بوشهر نیز همین قسم‌ها رایج است. و در «برازجان» مردم هنگام قسم خوردن می‌گویند: «به همو حضرت عباس» و یا «به همو ابوالفضل العباس».

اما برعکس اهالی «در دشت»، «در تو جانی‌ها»ی بندرعباس کمتر قسم می‌خورند و معتقدند که قسم بلافاصله دامن‌گیر شخص قسم خورده می‌شود، ولی زمانی که ناچار باشند و صددرصد هم از گفتار خود مطمئن باشند، قسم می‌خورند. البته مطابق این سند آنها «به حضرت عباس (ع)» اصلاً قسم نمی‌خورند، چون می‌ترسند که فوری قسم‌گیر شوند.

در شمال کشورمان در بخش «عالی چنگل» آمل، از جمله قسم‌های مرسوم این عبارت است: «مر به ابوالفضل – mer be abolfazi» و یا «مر به حضرت عباس». معنی این عبارت «سوگند به حضرت عباس (ع)» است.

در «بندر انزلی» نیز قسم‌هایی چون «به ابوالفضل»، «به ابوالفضل»، «به قمر بنی‌هاشم»، «به دو دست بریده ابوالفضل» و «به دو بازوی قلم شده ابوالفضل» میان اهالی شایع است. در «لای بید» اصفهان اگر کسی را بخواهند به «حضرت عباس (ع)» قسم دهند، او را پای علم حضرت عباس در یکی از تکیه‌ها و یا مسجد محل می‌برند، سپس شخص دست خود را به علم گرفته و برای طرف مقابل قسم یاد می‌کند و می‌گوید: «حواله من به این علم حضرت عباس اگر من اطلاعی از فلان احوال شما داشته باشم». و بدین طریق خود را بی‌گناه و مبرا می‌کند. در «خرم‌آباد» لرستان نیز برخی از قسم‌ها به این صورت ادا می‌شود: «و حضرت عباس» یعنی به حضرت عباس و یا «حضرت عباس مابن»، یعنی حضرت عباس بین ما و یا «حضرت عباس نوم رثم بگر – hazrate abbas nom rem begere» یعنی [اگر فلان کار را بکنم] حضرت عباس جلو راهم را بگیرد.

جالب‌ترین سندی که در خصوص قسم‌ها موجود است، در روستای «حسین‌آباد ناظم» ملایر و مربوط به قسم خوردن به حضرت عباس (ع) است.

در «بندر انزلی» نیز قسم‌هایی چون «به ابوالفضل العباس»، «به ابوالفضل»، «به قمر بنی‌هاشم»، «به دو دست بریده ابوالفضل» و «به دو بازوی قلم شده ابوالفضل» میان اهالی شایع است. در «لای بید» اصفهان اگر کسی را بخواهند به «حضرت عباس (ع)» قسم دهند، او را پای علم حضرت عباس در یکی از تکیه‌ها و یا مسجد محل می‌برند، سپس شخص دست خود را به علم گرفته و برای طرف مقابل قسم یاد می‌کند و می‌گوید: «حواله من به این علم حضرت عباس اگر من اطلاعی از فلان احوال شما داشته باشم». و بدین طریق خود را بی‌گناه و مبرا می‌کند.

در «خرم‌آباد» لرستان نیز برخی از قسم‌ها به این صورت ادا می‌شود: «و حضرت عباس» یعنی به حضرت عباس و یا «حضرت عباس مابن»، یعنی حضرت عباس بین ما و یا «حضرت عباس نوم رثم بگر – hazrate abbas nom rem begere» یعنی [اگر فلان کار را بکنم] حضرت عباس جلو راهم را بگیرد.

جالب‌ترین سندی که در خصوص قسم‌ها موجود است، در روستای «حسین‌آباد ناظم» ملایر و مربوط به قسم خوردن به حضرت عباس (ع) است. مردم این روستا، قسم به ابوالفضل (ع) را از هر قسم دیگری معتبرتر و مهمتر می‌دانند؛ زیرا بر این عقیده‌اند که آن حضرت برخلاف برادرش امام حسین (ع) فوری مقصر و گناهکار را کیفر می‌دهد؛ به طوری که آن حضرت را میرغضب حضرت علی (ع) لقب داده‌اند.

در این روستا یکی از قسم‌هایی که میان مردم مرسوم است، «قسم تکیه ابوالفضل» نام دارد، به این صورت که اگر طلبکاری از بدهکار بخواهد به «تکیه ابوالفضل» قسم بخورد، او را نزدیک در تکیه می‌برد و می‌گوید، سه مرتبه بگو: «به این تکیه حضرت ابوالفضل من بدهکار تو نیستم و بعد برو دنبال کارت». سپس بدهکار روبه‌روی تکیه می‌ایستد و در حالی که هر دو دست را مقابل صورت خود گرفته و اشاره به تکیه دارد، می‌گوید: «به این تکیه ابوالفضل من بدهکار تو نیستم». اما مهم‌ترین و شدیدترین قسم به حضرت ابوالفضل (ع) در این روستا قسم «هفت گام» است. این قسم دارای یک تشریفات و آداب و رسوم خاص و در عین حال تکان‌دهنده است، از این رو خیلی کم و به ندرت یاد می‌شود؛ زیرا هرگاه پای قسم «هفت گام» به میان دو یا چند نفر بکشد، نظر به اهمیت و خوفی که دارد مردان خیر و مصلح روستا جمع می‌شوند و می‌کوشند به طریقی که باشد، دعوا را فیصله دهند و اگر هم احیاناً طرفین حاضر به سازش نشوند و بخواهند قسم یاد کنند؛ همگی محل اجرای قسم «هفت گام» را ترک می‌کنند؛ زیرا عقیده دارند که مشاهده این قسم جایز نیست و بیننده باید مبلغی پول کفاره بدهد.

تشریفات و آداب قسم «هفت گام» به این نحو است که شخص قسم خورده باید ابتدا پاک و طاهر باشد، یعنی استحمام کند و بعد وضو بگیرد. وقتی این کارها را انجام داد، در جای نسبتاً وسیعی روبه قبله می‌ایستد و با پیمودن هفت قدم، هفت کُپه خاک هم با دست روی زمین جمع می‌کند، یعنی به فاصله هر یک قدم یک کُپه خاک به وجود می‌آورد و بعد برمی‌گردد. یک گام دورتر از اولین کُپه‌ی خاک سرپا می‌ایستد و سپس گام اول را برمی‌دارد و با صدای بلند می‌گوید: «این یک گام» و بالافاصله نیم خیز می‌شود و کُپه خاک را با دست به اطراف پخش می‌کند. آن‌گاه بطرف کُپه دوم خاک می‌رود و به همین صورت عمل می‌کند تا به نزدیک کُپه هفتم می‌رسد. وقتی که به کُپه آخر یعنی هفتم رسید با صدای نسبتاً بلند می‌گوید: «این هفت» و بلند می‌شود و هر دو کف دست را به موازات صورت خود می‌گیرد و می‌گوید: «این ابوالفضل خانه‌ام را مثل این کُپه خاک از هم بپاشد، من مدیون فلانی نیستم». و پی‌کارش می‌رود.

البته با اینکه بزرگترهای روستا قدغن می‌کنند که کسی در محل اجرای سوگند بماند، با این وجود برخی بی‌توجهی می‌کنند و برای تماشا جمع می‌شوند و پس از انجام مراسم قسم هر کدام

سکه‌ای به عنوان کفاره قسم در همانجا روی کُپه خاک می‌اندازند تا یک نفر که مستحق باشد، آن را بردارد.

این قسم تنها موردی است که همراه با آداب خاصی صورت می‌گیرد و در مواقعی که اختلاف عمیق باشد یا میان طرفین شبهه‌ای خاص وجود داشته باشد و با وساطت ریش سفیدان روستا نیز نتیجه نرسد، اجرا می‌شود.

در یک شمارش کلی قسم‌هایی که در فرهنگ مردم ایران در خصوص نام مبارک حضرت عباس (ع) بیان می‌شود، از کلید واژه‌های زیر تشکیل شده است:

ردیف	استان	شهر/بخش	روستا	قسم‌ها	کلید واژه
۱	کرمانشاه	کنگاور	-	حضرت عباس و کیلی	حضرت عباس
۲	کرمانشاه	صحنه	-	به شمشیر ابوالفضل، به حضرت عباس قسم، به ابوالفضل قسم	شمشیر، حضرت عباس، ابوالفضل
۳	کرمان	زرند	یزدان‌آباد	به حضرت عباس، به تیغ برنده حضرت عباس، عباس و کیلی، به قمر بنی‌هاشم	حضرت عباس، تیغ برنده، حضرت عباس، قمر
۴	تهران	فشاپویه	-	به دست‌های قطع شده حضرت عباس	دست
۵	مرکزی	قم	-	به حضرت عباس قسم، به قمر بنی‌هاشم قسم، به دست بریده ابوالفضل قسم	حضرت عباس، قمر، دست
۶	قزوین	قزوین	-	به حضرت عباس، به دو دست‌های ابوالفضل که در نهرالقمه از تن افتاده، قسم به چشم تیر خورده حضرت عباس، قسم به شک تیرخورده قمر بنی‌هاشم	حضرت عباس، دست، چشم، مشک
۷	فارس	آباده	-	به تیغ برنده ابوالفضل، به دو دست بریده حضرت عباس، به دو دست آقا ابوالفضل، عباس و کیلی، به قمر بنی‌هاشم، به آن کسی که با دست رفت ولی بی‌دست برگشت	تیغ برنده، قمر، دست، حضرت عباس
۸	فارس	آباده	ایزدخواست	به حضرت عباس قسم که عثمانلویی وضو اسمش نمی‌یاره، شمشیر حضرت عباس بین من و تو اگر فلان کار را بکنی و یا فلان کار را نکنی، حوالات به شمشیر حضرت عباس	حضرت عباس، شمشیر
۹	گیلان	لاهیجان	-	به حضرت عباس قسم، به حضرت ابوالفضل قسم، به دست بریده ابوالفضل قسم	حضرت عباس، دست
۱۰	خراسان	مشهد	لطف‌آباد	حضرت عباس حقی‌چن، ابل فضل حقی‌چن	حضرت عباس
۱۱	چهارمحال و بختیاری	لردگان	-	وه دو دس بری یه ابوالفرض (به دو دست بریده ابوالفضل)	دست

حضرت عباس، دست	به حق حضرت عباس، قسم به ابوالفضل، قسم به دست‌های بریده حضرت ابوالفضل، قسم به دست‌های در کنار فرات افتاده ابوالفضل	-	ارومیه	آذربایجان غربی	۱۲
حضرت عباس، دست، علم	به دو دست بریده حضرت عباس قسم، به قمر بنی‌هاشم، به حضرت عباس، به ابوالفضل	-	-	اصفهان	۱۳
حضرت عباس، دست، علم	به حضرت عباس قسم، به ابوالفضل العباس قسم، به دست‌های قطع شده ابوالفضل، به این علم قمر بنی‌هاشم	-	میمه	اصفهان	۱۴
حضرت عباس، دست، علم	به حضرت عباس قسم، به ابوالفضل العباس قسم، به دست‌های قطع شده ابوالفضل، به این علم قمر بنی‌هاشم	کهرویه	شهررضا	اصفهان	۱۵
حضرت عباس، دست، علم	به حضرت عباس قسم، به ابوالفضل العباس قسم، به دست‌های قطع شده ابوالفضل، به این علم قمر بنی‌هاشم	-	سمیرم	اصفهان	۱۶
حضرت عباس	تودویی (دانی) و حضرت عباس	-	گلپایگان	اصفهان	۱۷
حضرت عباس، شمشیر	به حضرت عباس، به شمشیر ابوالفضل	-	خورموج	بوشهر	۱۸
حضرت عباس	به همو حضرت عباس، به همو ابوالفضل العباس	-	برازجان	بوشهر	۱۹
حضرت عباس	به حضرت عباس	درتوچان	بندرعباس	هرمزگان	۲۰
حضرت عباس	مر به ابوالفضل، مر به حضرت عباس	-	آمل / عالی چنگل	مازندران	۲۱
حضرت عباس، قمر، دست، بازو	به ابوالفضل العباس، به ابوالفضل - به قمر بنی‌هاشم، به دو دست بریده ابوالفضل، به دو بازوی قلم شده ابوالفضل	-	بندرانزلی	گیلان	۲۲
علم	حواله من به این علم حضرت عباس اگر من اطلاعی از فلان احوال شما داشته باشم	-	لای بید	اصفهان	۲۳
حضرت عباس	به این حضرت عباس، حضرت عباس ما بن (مابین ما)، حضرت عباس نوم رئم بگیره (حضرت عباس جلو را هم را بگیرد، اگر فلان کار را بکنیم)	-	خرم‌آباد	لرستان	۲۴
تکیه، حضرت عباس	به تکیه ابوالفضل، به حضرت عباس	حسین آباد ناظم	ملایر	همدان	۲۵

در تجزیه و تحلیل این قسم‌ها می‌توان گفت بعضی واژه‌های کلیدی همچون «حضرت عباس» و سپس «شمشیر» و «تیغ» آن حضرت و گاه «دست» های مبارک ایشان از بیشترین موارد استعمال برخوردار است و به کرات در عبارت قسم‌ها آورده شده است، و نیز کلماتی همچون «قمر» و «علم» در این دست قسم‌ها از توجه شایانی برخوردار است.

راویان: